

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۴ دسمبر ۲۰۱۴

## دفن اموات سیاسی از قماش سپینتا وظیفه ما نیست

نخست از همه باید سپاس خویش را به خاطر مطلب آموزنده ای که در پاسخ به مضمون اسپینتا تحت عنوان «سخنی چند در مورد مقاله "دولت - ملت" جناب رنگین دادفر سپینتا» که در پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» به تاریخ ۲۲ دسمبر به نشر رسیده بود، خدمت جناب محترم نوری صاحب ابراز داشته ثانیاً هر چند این بحث ها نه تنها در آن زمان علیه نظریات خاینانه و نفاق افگانه شورای نظاریها از اهمیت برخوردار بود بلکه با عمق و تفصیلی که جناب نوری صاحب و دیگر نویسندگان با احساس افغان، ضمن نگارش مقالات متعدد کوشش نمودند تا با دلایل به بررسی جهت رسیدن به درک درستی در زمینه، افغانها را یاری رسانند و با دلایل تاریخی و منطقی از هویت اقوام افغانستان که افغانستان گلستان اقوام است و نام نامی افغانستان مختص به خلقهائیس که در این خاک زندگی می کنند، از ارزش فوق العاده برای نسل آینده برخوردار است.

اما دیده می شود که هستند خیانت پیشه هائی مانند سپینتا که در همین مقطع زمانی موقع را مناسب دانسته ذهن مزدورمنش خود را با نوشتن چرندیات در معرض دید قرار می دهند و آنها به غرض تأمین منافع خود و اهداف مغرضانه استعمارگران. طوری که از مضامین و مصاحبه های شخصیت خود فروخته و خاین به ملت و مملکت سپینتا هویداست، وی در تلاش است افکار خود را به سمت "مخالف" یعنی شورای نظاری ها معطوف بدارد. وی خوب می داند که با ایستاده شدن در کنار کرزی و ظن فروش تا آخرین روز و با در نظر داشت خصومت روز افزون بین باند غنی و کرزی، دیگر هیچ کاره بوده و چانسی برای رسیدن به قدرت در همکاری با غنی برایش وجود ندارد لذا جهت کسب مقام باید به مرجع قدرت امروزی دیگر یعنی عبدالله عبدالله سرتعظیم خم نماید.

با در نظر داشت این که حدود چهارده سال از جنایات امپریالیسم جنایتگستر امریکا و بقیه شرکای جرمش با مثنی از وطن فروشان و خاینانی از قماش سپینتا می گذرد، وی از زمان به قدرت رساندن کرزی این دلقک امپریالیسم به کرسی ریاست جمهوری اداره مستعمراتی، به حیث یکی از مزدوران بیمقدار امپریالیسم و همچنان شرکت وی در دولت دست نشانده ای که مهر تأیید تجاوز بر پیشانی وی حک گردیده، دوش به دوش کرزی جهت استحکام اداره مستعمراتی از هیچ نوع سعی و همکاری دریغ نوزید. حال که کرزی مکار و بی شرم از قدرت کنار رفته، سپینتا بنا بر خصلت و ماهیت خاینانه ای که دارد، نمی تواند از همکاری با امپریالیسم، دولت دست نشانده و ارتجاع خود را کنار بکشد. بنابراین تمام

تلاش خود را به این امر محدود می سازد که با تعویض سمت گیری و پشتیبانی از چرندیات مغرضانه شورای نظاری ها اقدام نماید.

طوری که از محتوای مضمون دانشمند جناب **نوری صاحب** پیداست، سالهاست که نظرات نفاق افگانه و نوکر منشانه شورای نظاریها نه بر پایه جریانات و حوادث تاریخ کشور ما افغانستان استوار است و نه دلیل و برهان قانع کننده دارند، با آنها هستند افغانهایی که که آرزوی حنا تجزیه کشور و الحاق آن به کشورهای همسایه را دارند. **سپنتا** به حیث انسان خود فروخته که خدمت به امپریالیسم را بخشی از وجدان خود ساخته، در صدد است چند صباح دیگر عمر ننگین خود را در پای امپریالیسم و دستبوسی ارتجاع (ربانی و امثال آن) هر آنجائی که امکان برایش دست دهد، سپری نماید. لطف نموده یکبار دیگر به عکس وی موقع بوسیدن دست ربانی نظر ببندازید به یقین که انسانهای با وجدان با دیدن کرنش وی به پای ارتجاع هار، هزاران مرتبه مرگ را ترجیح خواهند داد.

دلیل این که سپنتا در مقاله خود بیرق خراسان را بالا کرده به صراحت می توان گفت که وی آرزو دارد که جهت ادامه و حفظ مقام بردگی خود، قلاده بردگی راهرگزار گردن دور نکند و هنوز هم شاهد و شریک کشت و کشتار و به خاک و خون کشیدن خلق ستمکش افغان و صدها جنایت دیگر باشد. وی که معلوم می شود امید خود را از جانب **اشرف غنی** از دست داده، سر افکنده در صدد است که سمت وابستگی خود را با یاوه سرانی های تفرقه افگانه که از زمان تجاوز امپریالیسم به کشور ما، شورای نظاری ها آن را نشخوار می کنند و آرزو دارند تا در بین اقوام افغانستان تفرقه و نفاق بیندازند، معطوف نموده و جهت کسب امتیاز تلاش دارد تا اگر بتواند از این طریق لاقط مورد نوازش **عبدالله** قرار گیرد تا به حیث دستبوس و پای بوس ارتجاع در کابینه و یا هم مقام خاینانه دیگری در جمع خاینان اجرای وظیفه نماید و مصدر خدمت به امپریالیسم و ارتجاع گردد.

انسانهایی از قماش **سپنتا** ها از نگاه سیاسی برای ما مرده اند، در صورتی که اعمال انسانهای خود فروخته و خاین به مردم و کشور فرضاً در ذهن خلقها محو و یا به فراموشی سپرده شود به یقین تاریخ در سینه اش حفظ نموده و فردا یادآوری خواهد نمود. به گفته شخصیت مبارز زنده یاد **مجید "کلکانی"** **چنین انسانهایی برای ما مرده اند اینها فقط می خواهند تا خود را توسط ما دفن کنند"**